

فرصت‌های امنیتی و سیاسی ج.ا. ایران از طریق عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای براساس مدل سوات

محسن اسلامی^۱، محمدحسین جمشیدی^۲، محمدعلی جمالی‌پور^۳

چکیده

در دهه ۱۹۹۰ موج گسترده‌ای شکل گرفت که نشان از علاقه تمامی کشورها به سمت مشارکت سازمان‌های بین‌المللی در سطح منطقه‌ای بود. جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله کشورهایی بود که علاقه ویژه‌ای به عضویت در سازمان‌های بین‌المللی داشت. پایان جنگ سرد این اندیشه را به ذهن متبادر می‌کند که سازمان‌های منطقه‌ای بلوک‌بندی‌های قرن ۲۱ را تشکیل می‌دهد. سازمان همکاری شانگهای بعنوان یک سازمان منطقه بسیار قدرتمند در آسیا به دنبال اهداف سیاسی، امنیتی و اقتصادی است. ایران از سال ۲۰۰۵ که به عضویت ناظر سازمان همکاری شانگهای درآمد؛ تمام تلاش خود را برای عضویت کامل در این سازمان انجام داده است. هدف از این مقاله بررسی فرصت‌های امنیتی-سیاسی جمهوری اسلامی ایران با عضویت در سازمان همکاری شانگهای براساس مدل مدیریتی استراتژیکی SWOT است. پرسش این مقاله این است که فرصت‌های امنیتی و سیاسی ایران با عضویت در سازمان همکاری شانگهای براساس مدل تحلیلی سوات چگونه تبیین می‌شود. استدلال این پژوهش این است که باتوجه به توانایی‌های ایران در عرصه‌های امنیتی و سیاسی در منطقه و نظام بین‌الملل؛ ضمن اینکه سازمان می‌تواند از توانایی ایران در زمینه امنیتی و سیاسی استفاده کند؛ فرصت‌های زیادی هم برای جمهوری اسلامی ایران به وجود می‌آید.

واژگان کلیدی: سازمان همکاری شانگهای، ایران، روسیه، چین، مدل سوات

^۱ عضو هیات علمی گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس

^۲ عضو هیات علمی گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس mohamadali.jamalipoor@yahoo.com

مقدمه

سازمان بین‌المللی شانگهای در سال ۱۹۹۶ با گردهمایی سران کشورهای روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در شهر شانگهای تحت عنوان گروه شانگهای ۵ آغاز بکار کرد. در ابتدا این سازمان بعنوان ترتیبات منطقه‌ای بود که با هدف توسعه اقدامات اعتمادسازی امنیتی در مرزهای کشورهای عضو پایه‌ریزی شد و به مرور طی نشست‌های مختلف در شهرهای کشورهای عضو تکوین و دامنه اهداف و سیاست‌گذاری آنها از اقدامات امنیتی به سمت مباحث اقتصادی، سیاسی و تجاری توسعه یافت. در سال ۲۰۰۱ با پیوستن کشور ازبکستان به این سازمان، به سازمان همکاری شانگهای تغییر نام پیدا کرد (Laumulin, 2006: 8).

سازمان همکاری شانگهای با پیشنهاد کشور چین برای صلح و امنیت ایجاد شد و کشورهای هم‌چون روسیه، ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان و تاجیکستان که از ناامنی رنج می‌بردند تصمیم به شکل‌گیری سازمانی امنیتی به نام شانگهای گرفتند و با سه شر مبارزه می‌کرد. تجزیه‌طلبی، افراط‌گرایی و تروریسم این سه شر بودند (Unvernoi, 2006: 7).

بعد از وقوع انقلاب اسلامی و استقلال سیاسی کشور که به واسطه آن شرایط الحاق به همگرایی‌های منطقه‌ای و آسیایی فراهم گردیده است راهبرد و الویتی که به تعامل ایران با سازمان شانگهای موجب شده است؛ بیشتر متکی بر محورهای سیاسی و اقتصادی است؛ به علاوه برخی واقعیت‌ها و رویکردهای مشترک نیز در این امر سهم بوده‌اند (Boland, 2011: 9). همجواری ایران با آسیای کشورهای آسیای مرکزی و ویژگی‌های ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک این منطقه، جایگاه ویژه‌ای را در ملاحظات امنیتی، اقتصادی، سیاسی کشورمان ایجاد کرده است. از سوی دیگر باتوجه به مشترکات فرهنگی و تاریخی ایران با پنج کشور ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان و قرقیزستان، این جایگاه در روابط دوجانبه تقویت شده است. اگر عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای را در سطحی استراتژیک امری مثبت تلقی کنیم، در این صورت واقع‌بینی اقتضا می‌کند که در آغاز عضویت، چشم‌انداز این همکاری از نقطه‌نظر ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و یا محدودیت‌ها، استفاده از فرصت‌ها و تهدیدها مورد توجه قرار گیرد.

پیشینه و نوآوری تحقیق

کتاب سازمان همکاری شانگهای؛ اهداف، عملکردها و چشم‌اندازها (۱۳۸۸)، تهیه شده در مرکز معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی/گروه مطالعات اوراسیا، به عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای می‌پردازد و به بررسی جایگاه جمهوری اسلامی ایران در ارتقای ظرفیت‌های امنیتی سازمان همکاری شانگهای دارد.

مقاله سازمان همکاری شانگهای و عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱) نوشته علیرضا رضایی و عباس صالحی، در این مقاله ظرفیت‌های سازمان همکاری شانگهای با توجه به عضویت دو عضو از پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل (روسیه و چین)، دارا بودن بیش از یک سوم جمعیت جهان، وسعت قابل توجه و توانمندی‌های اقتصادی، مورد توجه قرار می‌گیرد.

مقاله گسترش سازمان همکاری شانگهای، آیا ایران یک عضو دائم است؟ (۲۰۰۸) که به زبان انگلیسی توسط "Alexander A. Pikayev" نوشته شده، به جوانب ایجابی و سلبی در مورد عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای توسط دو قدرت برتر چین و روسیه می‌پردازد و همچنین به سوابق تاریخی، فرهنگی و مذهبی ایران با دیگر اعضای این سازمان می‌پردازد.

جنبه نوآوری و جدید بودن پژوهش به بررسی و مطالعه ورود ایران به سازمان همکاری شانگهای از منظر یک مدل مدیریتی مربوط می‌شود که این روش در پژوهش‌های مشابه گذشته دیده نمی‌شود. مدل استراتژیکی و مدیریتی سوات^۱ با بهره‌گیری از فرمول: قدرت، ضعف (درون سازمانی) و چالش‌ها و فرصت‌ها (برون سازمانی) می‌تواند به بهترین وجه ممکن موضوع بررسی عضویت ایران را توضیح دهد. همچنین در این پژوهش، مدل و راهکاری ارائه می‌شود که بهترین حالت و توجیه برای عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان شانگهای باشد.

۹

چهارچوب تحلیلی (مدل سوات)

تحلیل SWOT برای اولین بار در سال ۱۹۵۰ توسط دو فارغ‌التحصیل مدرسه بازرگانی هاروارد به نام‌های جورج آلبرت اسمیت و رولند کریستنسن مطرح شد. در آن زمان این تحلیل ضمن کسب موفقیت‌های روزافزون بعنوان کسب ابزار مفید مدیریتی شناخته شد. اما شاید بیشترین موفقیت مشهود این تحلیل زمانی بدست آمد که Jack Welch از جنرال الکتریک در سال ۱۹۸۰ از آن برای بررسی استراتژی‌های GE و افزایش بهره‌وری سازمان خود استفاده کرد (Balamuralikrishna, 1995: 12).

| | | |
|------------------------|----------------------|-------------------|
| | Help ful | Harm ful |
| Internal origin | Strengths | Weaknesses |
| External origin | Opportunities | Threats |

^۱ SWOT

واژه swot برگرفته از این لغات می‌باشد:

S. strength (قدرت)؛

W. Weakness (ضعف)؛

O. Opportunity (فرصت)؛

T. Threat (تهدید).

عوامل بیرونی

این عوامل خارج از سیستم بوده است و بر فعالیت‌های سیستم تاثیر دارند اما در اختیار سیستم نبوده و هیچگونه تاثیری بر آنها ندارد. هدف از بررسی محیط خارجی تهیه فهرستی محدود از فرصت‌هایی که می‌تواند به یک سیستم سود رسانده یا تهدیداتی که باید از آنها اجتناب شود. عوامل بیرونی خود به دو گونه می‌باشد:

۱- فرصت‌ها

فرصت یک موقعیت عمده در محیط سیستم می‌باشد. یعنی آنچه که سیستم را در رسیدن به اهدافش یاری می‌نماید و بعنوان موتور محرکه‌ای است که شتاب حرکت سیستم را چندین برابر می‌کند. فرصت‌ها مطلوب سیستم بوده و بایستی کوشش شود تا آنها را به حداکثر رسانده و از آنها استفاده بهینه صورت گیرد. پس می‌توان گفت: فرصت (O): پتانسیل نهفته‌ای است که بهره‌گیری از آن سیستم را در جهت مثبت رشد خواهد داد و استفاده از آن مزایای قابل ملاحظه‌ای برای سیستم خواهد داشت. بعبارت دیگر منفعت بالقوه‌ای است که عوامل بالفعل شدن‌اش هنوز بوجود نیامده است.

۲- تهدیدها

تهدید یک موقعیت نامطلوب عمده در محیط سیستم است و بعنوان مانعی بر سر راه سیستم قرار دارد و آن را از رسیدن به اهدافش باز می‌دارد. در مورد فرصت‌ها و تهدیدات می‌توان گفت که آنچه برای یک سیستم تهدید قلمداد می‌شود ممکن است برای یک سیستم دیگر عامل فرصتی باشد. فرصت یا تهدید بودن یک عامل نسبی است. سیستم تا جائیکه می‌تواند بایستی عوامل محدود کننده و تهدیدات را به حداقل رسانده یا آنها را به عوامل فرصتی و مزیتی تبدیل کند. درک درست فرصت‌ها و تهدیدات محیطی فراروی یک سیستم به مدیران کمک می‌کند تا برنامه‌ریزی بلندمدت سیستم را با بینش و فراست بهتری اتخاذ نموده و مسیر حرکت را بطور اثربخش‌تری تعیین نمود. با عنایت به مطلب بالا می‌توان چنین بیان کرد: تهدید (T): برعکس فرصت، عاملی است که مانع حرکت، رشد و بالندگی سازمان می‌شود. بعبارت دیگر ضرر بالقوه‌ای است که عوامل بالفعل شدن‌اش هنوز به وجود نیامده است.

عوامل درونی

این عوامل در اختیار سیستم بوده و جزء عوامل داخلی می‌باشند. پس در عین حال که بر فعالیت‌های سیستم تاثیر دارند سیستم نیز بر آنها تاثیر دارد. هدف از بررسی محیط درونی تهیه فهرستی از نقاط قوت است که سیستم برای به دست آوردن شرایط بهتر بایستی از آنها بهره‌برداری نمایند و یا نقاط ضعفی که برای جلوگیری از ضرر یا کاهش سود باید از آنها اجتناب نمایند. عوامل درونی نیز همانند عوامل بیرونی دو دسته می‌باشند (Mansoori, 2013: 303)، که عبارتند از:

۱- قوت‌ها

قوت نقطه اتکای سیستم است که با استفاده از آن می‌خواهد به اهداف خود برسد بر مبنای این نقاط قوت شاخه اجرایی را می‌توان به موتوری قدرتمند برای رشد، تغییر و نوآوری تبدیل کرد. پس هر سیستمی بایستی این نقاط قوت را برای جامه عمل پوشاندن به اهداف خود به حداکثر رسانده و از آنها بعنوان مزیتی رقابتی استفاده نمایند.

۲- ضعف‌ها

ضعف یک محدودیت یا کمبود در منابع مهارت‌ها و توانایی‌هایی است که مانع عملکرد اثربخش می‌شود.^{۱۱} ضعف یک عامل درونی است که مختل کننده فعالیت‌های سیستم بوده و در رسیدن سیستم به اهدافش خلل ایجاد می‌کند پس لازم است تا سیستم این عوامل را در حد امکان به حداقل رسانده و یا در جهت رسیدن به اهدافش از آنها بهره‌برداری نماید (احمد خان بیگی، ۱۳۹۲: ۴۲). نقطه ضعف (W): مورد است که سازمان در صورت انجام یا داشتن آن از امتیاز منفی و عدم توانایی برخوردار خواهد شد. حال با توجه به آشنا شدن با مفاهیم پایه این مدل (SWOT) بایستی جدول زیر بصورت فهرست تهیه و تکمیل گردد.

سوات ماتریسی

در مدل SWOT پس از لیست کردن هر یک از عوامل قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها و نوشتن آنها در سلول‌های مربوط به خود، از محل تلاقی هر یک از آنها استراتژی‌های موردنظر حاصل می‌شود، بنابراین همواره این ماتریس منجر به چهار دسته استراتژی ST، WO، SO، WT می‌شود (تویسکرانی، ۱۳۹۰: ۱۸).

۱- استراتژی (SO)

راهبردهای حداکثر استفاده از فرصت‌های محیطی با بکارگیری نقاط قوت سازمان یا سیستم در اجرای استراتژی‌های SO سیستم با استفاده از نقاط قوت داخلی می‌کوشد از فرصت‌های خارجی حداکثر بهره‌برداری را نماید هر سیستمی علاقمند است که همیشه در این موقعیت قرار داشته باشد تا بتواند با بهره‌گیری از نقاط قوت داخلی از فرصت‌ها و رویدادهای خارجی حداکثر استفاده را بنماید (معمولاً برای رسیدن چنین موقعیتی سعی می‌شود در زنجیره ارزش دارائی‌ها، دارائی‌های پایه خود را تبدیل به شایستگی کلیدی و نتیجتاً مزیت رقابتی نمایند) (Katzman, 2010: 39).



۱۲

۲- استراتژی‌های (ST)

راهبردهای استفاده از نقاط قوت برای جلوگیری از مواجهه با تهدیدها سیستم در اجرای استراتژی‌های ST می‌کوشد تا با استفاده از نقاط قوت داخلی خود برای جلوگیری از تاثیر منفی تهدیدات خارجی سازوکارهایی را در پیش بگیرد و یا تهدیدات را از بین ببرد (محرمی، ۱۳۹۰: ۷۰).

۳- استراتژی (WO)

راهبردهای استفاده از مزیت‌های بالقوه‌ای که در فرصت‌های محیطی نهفته است برای جبران نقاط ضعف موجود در سازمان یا سیستم هدف از استراتژی‌های WO این است که سیستم از مزیت‌هایی که در فرصت‌ها نهفته است استفاده نماید در جهت جبران نقاط ضعف، گاهی در خارج از محیط فرصت‌های بسیار مناسبی وجود دارد، ولی محیط به سبب داشتن ضعف داخلی نمی‌تواند از این فرصت‌ها بهره‌برداری نماید (مرادی، ۱۳۸۷: ۶۴).

۴- استراتژی‌های (WT)

این راهبردها برای به حداقل رساندن زیان‌های ناشی از تهدیدها و نقاط ضعف می‌باشد هدف سیستم در اجرای استراتژی‌های WT کم کردن نقاط ضعف داخلی و پرهیز از تهدیدات ناشی از محیط خارجی است سیستمی که بیشترین عوامل‌اش در این خانه متمرکز باشد وضعیت مناسبی نداشته و در موضع مخاطره‌آمیزی قرار خواهد گرفت. در چنین حالتی برای نمونه در یک سازمان یا موسسه استراتژی‌های مختلفی از قبیل واگذاری، کاهش عملیات را بر می‌گزیده و در هر صورت سازمان یا موسسه سعی می‌کنند از چنین وضعیتی پرهیز نمایند. سعی داریم که از استراتژی (SO) بعنوان بهترین استراتژی مدل سوات که به تهاجمی نیز معروف است؛ جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با استفاده از قدرت‌های سیاسی و امنیتی، از فرصت‌های به وجود آمده در سازمان همکاری شانگهای برای وضعیت بهتر استفاده کند.

ساختار سازمان همکاری شانگهای

ساختار کلی این سازمان به صورت زیر است:

۱- شورای سران

این شورا، بالاترین ارگان سازمان شانگهای است. کارکردهای اصلی آن، تعیین حوزه‌های اولویت و جهت‌گیری‌های اصلی در فعالیت‌های سازمان، تعیین اصول مرتبط با ساختار و کارگرد داخلی و چگونگی کار سازمان با دیگر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی است. این شورا همچنین به بررسی مسائل حساس بین‌المللی می‌پردازد (الماسی و دورفرد، ۱۳۹۱: ۱۳).

۲- شورای سران دولت

کارکرد عمده این شورا، تنظیم بودجه شورا، بررسی و تعیین موضوعات همکاری در حوزه‌های ویژه در چارچوب سازمان و همکاری ویژه در زمینه اقتصادی است. نشست منظم سران دولت‌ها سالی یکبار برگزار می‌شود (موسوی، ۱۳۸۳: ۴).

۳- شورای وزیران امور خارجه

این شورا بعنوان پایین‌ترین شورای مقامات عالی کشورهای عضو، تصمیم‌گیری‌های شورای روسای دولت‌ها را به شورای هماهنگ کنندگان ملی منعکس می‌کند.

۴- شورای هماهنگ کنندگان ملی

این شورا ضمن اخذ تصمیمات و پیگیری مصوبات شورای وزیران امور خارجه و وظیفه ابلاغ آنها به دبیرخانه، وظیفه تعامل دوجانبه با شورای ساختار ضدتروریستی منطقه‌ای نه کمیته اجرایی، مجموعه بخش‌های نهادهای دولتی و غیردولتی و شورای روسای موسسات و نهادهای دولتی را برعهده دارد (حافظی، ۱۳۸۱: ۹).

۵- دبیرخانه

دبیرخانه این نهاد، که بخش اجرایی سازمان شانگهای و در پکن واقع شده، در ژانویه ۲۰۰۴ برپا شده است. کارهای اصلی آن، شامل پشتیبانی سازمانی و فنی از فعالیت‌های این سازمان، مشارکت در بررسی و تنظیم اسناد سازمان شانگهای و طرح پیشنهادهای در زمینه بودجه‌بندی سالانه است (عابدی، ۱۳۹۰: ۳).

۶- ساختار ضدتروریستی (راتس)

این بدنه که از بخش‌های دائم سازمان شانگهای و در تاشکند واقع است، در ژانویه ۲۰۰۴ برپا شد. کار اصلی آن، ایجاد زمینه‌های لازم برای هماهنگی فعالیت اعضای در مبارزه با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی است. راتس در برگیرنده شورا و کمیته اجرایی است. شورا، بدنه هماهنگ کننده و هدایت‌کننده راتس و مرکب از سران و مقامات صلاحیت‌دار کشورهای عضو است. کمیته اجرایی بخش عادی راتس است (Siddiq, 2016: 5).

چین و روسیه اعضای تاثیرگذار سازمان همکاری شانگهای

زمانی که به تاریخ شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای نگاه می‌کنیم؛ متوجه خواهیم شد که اساساً این سازمان به خاطر اختلافات مرزی این دو قدرت شکل یافته است. سازمان همکاری شانگهای در آوریل ۱۹۹۶ تحت عنوان پیمان شانگهای پنج بر مبنای توافقات اولیه‌ای شکل گرفت که در سال ۱۹۹۰ میان اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری خلق چین برای کاهش تأسیسات و نیروهای نظامی در نواحی مرزی دو کشور و اتخاذ اقدامات اعتمادسازی، منعقد شده بود. چین و روسیه بعد از جنگ سرد تلاش کرده‌اند تا با حل اختلافات و موارد واگرا، هرچه بیشتر همکاری‌های خود را در عرصه‌های مختلف افزایش دهند. چین و روسیه به تدریج توانستند با استفاده از فضای اعتماد ایجاد شده میان دو کشور اختلافات مرزی خود را با یکدیگر حل و فصل کنند. برای دولت چین توسعه اقتصادی بسیار مهم تلقی می‌شود و برای روسیه در شرایط مختلف با توجه به سیاست‌های امنیتی و سیاسی خود تغییر می‌کند. در این میان احتمال دارد که ایران قربانی اهداف این دو کشور شود و با تکیه بر این دو و تغییر کردن فضای جهانی و بهبودی روابط و یا ایجاد کانال‌های ارتباطی و

استراتژیک با ایالات متحده به قولی سر ایران بی‌کلاه بماند. ایران باید با نگاه به شرق، همواره نگاه به غرب را نیز تقویت کند.

چین یکی از ابرقدرت‌ها در سطح بین‌الملل محسوب می‌شود. اگرچه چین همانند ایالات متحده آمریکا ابرقدرت چهار بعدی نیست اما چین در عرصه اقتصادی، تکنولوژیک و فرهنگی رشد قابل ملاحظه نموده است. بنابراین، می‌توان گفت که چین یکی از ابرقدرت‌های سه بعدی در سطح بین‌الملل محسوب می‌شود. چین اما، در عرصه نظامی نیز رشد نموده است. در سال‌های اخیر بودجه نظامی چین رو به افزایش بوده است در عین حال، چین به ثبات اقتصادی دست یافته است (واعظی، ۱۳۸۹: ۱۲۱). چین همواره در تلاش بوده که در دورانی که ایران با تحریم‌ها دست و پنجه نرم می‌کرد خود را تبدیل شریک تجاری اول ایران کند و علیرغم اینکه چین بزرگترین بدهکار نفتی به ایران با بیش از ۲۲ میلیارد دلار می‌باشد این کشور در طول این سال‌ها سعی کرده تا با صادرات کالا بدهی خود را تسویه کند و همچنان خود را شریک اول تجاری ایران قرار دهد (Laumulin, Ibid: 8).

حضور چین در این سازمان فرصتی برای اقتصاد رو به رشد چین فراهم کرد تا از یک سو بازار مصرف گسترده کشورهای عضو را بعنوان بازار هدف برای صادرات محصولات چینی در اختیار بگیرد و از سویی دیگر بتواند زمینه رشد سریع‌تر اقتصادی را فراهم نماید. در این میان حجم بزرگی از مناسبات اقتصادی چین با اعضای سازمان همکاری شانگهای را بخش انرژی تشکیل می‌دهد. دلیل این امر نیاز گسترده چین به انرژی وارداتی است (Germanovich, 2016: 9). روسیه نیز همانند چین با مجموعه‌ای از نگرانی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، ایجاد و تقویت سازمان همکاری شانگهای را در ده سال گذشته دنبال کرده است. در سطح منطقه‌ای نگرانی‌های روسیه به تأکید ولادیمیر پوتین بر تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی خلاصه می‌شود، اما این مسائل مهمترین موضوعاتی نیستند که روس‌ها را متقاعد به ایجاد سازمان همکاری شانگهای کرده باشند. روس‌ها برای مقابله با این تهدیدها سازمان مهمتری تحت عنوان پیمان امنیت جمعی در اختیار داشتند. بنابراین، آنچه به نظر می‌رسد روس‌ها را بیشتر علاقمند به تأسیس سازمان همکاری شانگهای کرده باشد، در وهله نخست نگرانی‌های بین‌المللی روسیه و در وهله بعد نیاز این کشور به یافتن یک متحد در مسائل جهانی بوده است (زاهدی انارکی، ۱۳۸۵: ۵۷).

روسیه در طول تاریخ مهمترین همسایه ایران بوده است، چه مقطعی که دو کشور در جنگ با یکدیگر بوده‌اند و چه زمانی که به صورت مسالمت‌آمیز در کنار هم بوده‌اند. نکته مهمی که باید در ارتباط با روابط ایران و روسیه به آن اشاره کرد این است که دو کشور وزن یکسانی در سیاست خارجی یکدیگر دستکم تا مقطع کنونی نداشته‌اند (همان، ۵۸).

روسیه و چین از کشورهای عمده و موثر این سازمان، پتانسیل‌های قوی اقتصادی، سیاسی و امنیتی در سطح منطقه‌ای و جهانی دارند. هر دو کشور از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحداند. سطح بالای تکنولوژی نظامی متعارف، به پنج کشور مهم عضو و ناظر سازمان همکاری شانگهای یعنی چین، روسیه، هند، ایران و پاکستان قدرت مانور بالایی برای نقش‌آفرینی در عرصه منطقه‌ای و جهانی بخشیده است.

عضویت ناظر جمهوری اسلامی ایران

خبر پیوستن هند و پاکستان به سازمان همکاری شانگهای در رسانه‌ها منتشر شده است و باتوجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران نیز از سال ۲۰۰۷ درخواست خود را برای پیوستن به این سازمان مطرح کرده، این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دلیل پذیرش عضویت دو کشور هند و پاکستان به صورت اعضای دائم در سازمان شانگهای از نقطه‌نظر همکاری‌های منطقه‌ای، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های این سازمان را چنانچه اراده محکمی در پشت آن وجود داشته باشد بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌دهد. حضور این دو کشور نیز تا حدودی می‌تواند به اختلافات این دو کشور بر سر کشمیر و جامو کاهش زیادی پیدا کند. علاوه بر این خاصیت این کشورها این است که در راستای سیاست‌های ضدآمریکایی نیز حرکت نمی‌کنند و این می‌تواند برای کشوری مثل چین که پروژه جاده ابریشم جدید را در سر می‌پروراند یک امتیاز مثبت تلقی شود.

۱۶

چین و روسیه بر این باور هستند که ورود اعضای جدید به سازمان می‌تواند گستره و راهبردهای جدید و زیادی را بر سر راه این سازمان قرار دهد و در واقع جان تازه‌ای به این سازمان منتقل می‌شود. اگر به کشورهای عضو و ناظر سازمان همکاری شانگهای توجه داشته باشیم متوجه این نکته خواهیم شد که قدرت‌های بزرگ هسته‌ای در این سازمان حضور دارند. روسیه، چین، هند و پاکستان چهار هسته‌ای بالفعل هستند و ایران و قزاقستان دو قدرت بالقوه هسته‌ای محسوب می‌گردند (Faisal, 2016: 3). باید این نکته را به خاطر بسپاریم که سازمان همکاری شانگهای به یک نهاد چینی تبدیل شده و این کشور نفوذ زیادی در این سازمان دارد. کشورهای آسیای مرکزی وابستگی زیادی به کشور چین دارند و به کمک‌های اقتصادی این کشور نیاز زیادی دارند. در راستای مخالفت کشور چین با حضور جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای روابط چین با ایالات متحده آمریکا تاثیر زیادی دارد. در حال حاضر ایران بعنوان عضو ناظر در این سازمان حضور دارد اما انتظار می‌رود که این وضعیت، حالت دائم به خود بگیرد زیرا با فاصله گرفتن روسیه از اتحادیه اروپا و آمریکا، این کشور در تلاش است تا خود را بعنوان یک قدرت غیرغربی نشان دهد که مشتاق یافتن راه‌های جدید و طبعاً یک نظم جهانی جدید است. از این‌رو، انتظار می‌رود که با برداشته شدن تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه ایران، مسکو نقش پررنگ‌تری را به ایران در سازمان همکاری شانگهای بدهد.

با وجود اینکه چین با ایالات متحده آمریکا دارای اختلافات زیادی هستند و همچنین رویکرد آمریکا یک رویکرد بسیار تهدیدآمیز است (محور آسیا) ولی این کشور برای چین یک شاهره اقتصادی است و این موضوع برای مقابله چین با عضویت ایران بسیار مهم تلقی می‌شود. چین به دنبال این است تا این سازمان یک رویکرد ضدغربی و آمریکایی نگیرد.

روسیه همیشه طبق تغییر و تحول نظام بین‌الملل عمل می‌کند به همین دلیل تحریم بودن روسیه عاملی بسیار کلیدی در عضویت دائم ایران به شما می‌آید. عضویت پاکستان و هند در کل به نفع جمهوری اسلامی ایران در پیشبرد منافعش در منطقه محسوب می‌شود (Siddiqa, Ibid: 3). روسیه از عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای قبلاً حمایت جدی نمی‌کرد. در واقع چین و روسیه بیم این را داشتند تا مبادا عضویت ایران که دارای سیاست‌های ضدآمریکایی است این سازمان را به نوعی در تقابل با ناتو قرار دهد (Faisal, Ibid: 3). اخیراً به نظر می‌آید که تمایل تازه‌ای از جانب روسیه برای حمایت آزادانه و البته محتاطانه از ایران برای تبدیل این کشور به عضو دائم سازمان همکاری شانگهای وجود دارد. این به عقیده من دو دلیل می‌تواند داشته باشد و یکی از آنها همانطور که شما اشاره شد این است که یکی از اهداف اصلی سازمان همکاری شانگهای موازنه قدرت برای مقابله با تسلط غرب بر نظام جهانی است (Humayun, 2016: 8). با طی شدن مراحل عضویت دائم هند و پاکستان در سازمان همکاری شانگهای، این نهاد بی‌شک به انجمنی طراز اول در ۱۷ حوزه وسیع اوراسیا تبدیل می‌شود. به این ترتیب، ایران می‌تواند از این موقعیت در زمینه‌های مختلف چه در بعد اقتصادی و چه در بعد سیاسی بهره‌برداری کند. با این حال، هنوز خیلی زود است که مزایای محسوس این مسئله را پیش‌بینی کرد.

فرصت‌های امنیتی و سیاسی ج.ا. ایران در سازمان همکاری شانگهای

استراتژی (SO) بعنوان یک راهبرد تهاجمی می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را در استفاده از فرصت‌های به وجود آمده در سازمان همکاری شانگهای کمک کند. ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ایران در زمینه امنیتی و سیاسی این امکان را فراهم می‌آورد تا از فرصت‌های به وجود آمده در راستای تقویت کشور استفاده کند.

۱- مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا و توازن قوا

در سال ۲۰۰۷ بی‌یک مانور نظامی در سال ۲۰۰۷ با ۶۵۰۰ نیروی نظامی و ۸۰ هواپیمای جنگی در سطح ستاد کل نیروهای نظامی عملیات در ۱۰ هزار کیلومتر نشان داد و در واقع هشدار به دخالت‌های بیگانگان و بخصوص ایالات متحده بود. در حال حاضر سازمان همکاری شانگهای، تبدیل به سدی در مقابل آمریکا و نفوذ غرب در منطقه شده است. اگر عضویت دائم ایران در این جمع پذیرفته شود، بدون تردید گرایش‌های

ضدغربی در این سازمان بطور چشمگیری افزایش خواهد یافت. فهم عمیق ریشه‌های شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای به قلب مباحث تئوریک روابط بین‌الملل برمی‌گردد. ظهور سازمان همکاری شانگهای می‌تواند گامی برای شکل‌گیری یک اتحاد علیه ایالات متحده باشد. موازنه علیه ایالات متحده منطقی‌ترین دلیل برای شکل‌گیری و تکامل سازمان همکاری شانگهای است (Pnneir, 2013: 9). سازمان درصدد است تا از طریق اقدامات موازنه‌بخش نرم، توجه کمتر ایالات متحده را به خود جلب کند؛ اگرچه شکل‌گیری و تکامل سازمان مستقیماً با هدف موازنه علیه ایالات متحده آمریکا نبوده، اما تا حدودی زیادی شکل‌گیری و تحکیم آن با رهبری جهانی آمریکا متحده در نظام تک‌قطبی مرتبط است.

۲- تجربه ایران در زمینه مبارزه با افراط‌گرایی و قاچاق مواد مخدر

از مهمترین دستاوردهای عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای این است که جایگاه و موقعیت ایران اسلام، در جهان می‌تواند موجب تضعیف رابطه علت و معلولی بین اسلام و تروریسم و پیشگیری از تندروی‌ها و رفتار نامناسب علیه مسلمانان و اصولاً گروهایی که در منطقه آسیای مرکزی طی سال‌های اخیر در نتیجه اقدامات افراطی و خشونت وهابیون و سلفیون، شاهد رشد خطرناک افراط‌گرایی و تروریسم بوده است، تروریسمی که به خود رنگ اسلام زده و باعث شده تا اسلام بواسطه تبلیغات جهانی در اذهان بسیاری از مردم با کژفهمی درک شود (yang, 2011: 5). ایران بعنوان یک کشور اسلامی شیعی عضو سازمان همکاری شانگهای تا حدود زیادی می‌تواند با حضور در سازمان همکاری شانگهای نگرانی کشورهای عضو سازمان را از خطر افراط‌گرایی آسوده کند. چین و روسیه و سایر کشورهای آسیای مرکزی در خطر افراط‌گرایی و تروریسم اسلامی قرار دارند (لیک و مورگان، ۱۳۸۱: ۳۲).

ایران نخستین مسیر مهم قاچاق مواد مخدر به سمت غرب است و پس از آن ترکیه، بالکان و دیگر مناطق قرار دارند. دستاوردهای منطقه‌ای ایران در مبارزه با قاچاق مواد افیونی سبب تغییر وضعیت به سمت کاهش انتقال این مواد شده است (واعظی، ۱۳۸۹: ۲۴). روسیه، ایران، پاکستان، تاجیکستان و افغانستان در کنار یکدیگر در صددند با پدیده قاچاق مواد مخدر مبارزه کنند تا دامنه تاثیرات منفی آن کاهش یابد و باید همکاری شرکای منطقه‌ای در اینبار ادامه داشته باشد تا بتوان مبارزه موثری با پدیده قاچاق مواد مخدر انجام داد. در حال حاضر، تروریسم و افراط‌گرایی، دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار و همچنین مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای، سه چالش امنیتی اصلی در محیط پیرامونی ایران محسوب می‌شود که با یکدیگر ارتباطی چندبعدی و تنگاتنگ دارند. بعلاوه رویکرد امنیتی ایران باتوجه به تحولات و تجارب سال‌های اخیر در منطقه دارای مولفه‌ها و عناصری است که در صورت توجه و اهتمام منطقه‌ای می‌تواند به شکل‌گیری نظامی امنیتی پایداری منجر شود. ایران امروز هم به دنبال مساعدت برای پیدا کردن ظرفیت‌های جدید

منطقه‌ای علاوه بر ظرفیت گروه مینسک، در جهت نزدیکی مواضع طرفین مناقشه است تا بتواند در عدم از سرگیری عملیات جنگی در منطقه سهم خود را ایفا می‌کند.

۳- افزایش قدرت چانه‌زنی ج.ا. ایران تحت تاثیر برجام و سریع تر شدن روند عضویت در سازمان شانگهای

می‌توان ایران را تنها کشوری در خاورمیانه دانست که با وجود مسائل و مشکلات متعدد منطقه منجمله جنگ و آشوب بی‌سابقه در سوریه، عراق و یمن، پدیده شوم داعش، بحران اقتصادی مبتنی بر قیمت جهانی نفت همچنان توانسته به روند معمول خود در داخل و خارج ادامه دهد و این مسئله سبب پدید آمدن شرایطی شده که نفوذ روزافزون ایران در منطقه و حتی فرامنطقه در ابعاد سیاسی و نظامی از پیامدهای آن هستند. با اجرایی شدن برجام و کاسته شدن فشارهای بین‌المللی در ابعاد اقتصادی و سیاسی این نفوذ گسترده به طبع با افزایش مواجه خواهد شد. از زمانی که سازمان همکاری‌های منطقه‌ای شانگهای تاسیس شده است ایران در مقاطع گوناگون تلاش‌هایی برای کسب عضویت کامل در این سازمان داشته است. اکنون بعد از اجرایی شدن توافق هسته‌ای شاهد حمایت‌های برخی کشورها از عضویت کامل ایران در این سازمان هستیم. تا قبل از توافق هسته‌ای میان ایران و گروه ۵+۱ هر دو کشور نسبت به عضویت ایران باتوجه به روابط خصمانه آن با ایالات متحده از یک سو و از سوی دیگر موضوع تحت تحریم بودن ایران از سوی شورای امنیت و اینکه عضویت ایران می‌تواند ضمن تحریک غرب، زمینه را برای تبدیل سازمان شانگهای به یک بلوک بالفعل ضدغربی تبدیل کند، بی‌میل بوده‌اند؛ تا جائیکه هر بار ایران عضویت دائم را مطرح می‌کرد آنها از این خواسته ایران سرباز می‌زدند (Humayun, Ibid: 9). به دنبال اجرایی شدن برجام و رفع تحریم‌های تحمیلی علیه ایران به خاطر برنامه هسته‌ای یک موفقیت بزرگ برای ایران رقم خورد. اجرای توافق هسته‌ای باعث حل یک مسأله غیرضروری، و ایجاد یک سابقه خوب برای حل مسائل جهانی از مسیر دیپلماسی بود؛ علاوه بر این، این امید شکل گرفت که مسائل متعدد منطقه‌ای دیگر نیز از مسیر دیپلماسی و مذاکره قابل حل و فصل شدن باشد. عضویت دائم ایران در سازمان همکاری‌های منطقه‌ای شانگهای یکی از موضوعات مهم منطقه‌ای بود که انجامش به موضوع رفع تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران گره خورده بود؛ با رفع تحریم‌ها، این روند می‌تواند سریع‌تر انجام گیرد.

۴- توسعه مشترک کشورها براساس اعتماد متقابل، سود مشترک، برابری، همکاری و احترام

تجربه همگرایی کشورها نشان می‌دهد که همگرایی در حوزه‌های سیاست ملایم می‌تواند نقطه آغاز مناسبی برای کشورهای اسلامی باشد که به نوبه خود می‌تواند قلمروهای اقتصادی و یا فرهنگی را در برگیرد، اما

همکاری‌های اقتصادی کشورهای اسلامی در قالب سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای، مانند اکو، بیانگر تحقق سطح پایینی از اهداف موردنظر می‌باشد و موانع گوناگون اقتصادی و ذهنی، کارایی آن را کاهش داده است. تحکیم همکاری‌های منظم در ایجاد و تقویت صلح، امنیت و ثبات و رشد و رفاه اقتصادی در منطقه؛ مقابله مشترک با تروریسم، جدایی، افراط‌گرایی و قاچاق مواد مخدر؛ تشویق همکاری منطقه‌ای در حوزه‌های مختلف سیاسی؛ بهبود وضعیت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و تلاش برای بررسی راه‌حل مسائلی که ممکن است در قرن ۲۱ بروز کنند؛ از اهداف اعلامی مندرج در منشور سازمان می‌باشد. ایران به دلیل ژئوپلیتیک حساس خود از جمله قرار گرفتن در بین بحران‌های منطقه‌ای عراق و افغانستان و همچنین ماهیت مسائل سیاسی-امنیتی که با آنها روبرو است، از جمله برنامه هسته‌ای، به نوعی با مسائل نظام امنیت بین‌الملل در ارتباط مستقیم است. گسترش نقش و دامنه‌های منافع سیاسی-امنیتی و اقتصادی ایران در سطح منطقه-ای و جهانی با نیاز به تعامل و شناخت بیشتر از مناطق مختلف جهان به خصوص منطقه خاورمیانه و محیط اطراف ایران افزایش یافته است.

۵- تبادل اطلاعات امنیتی راهکاری برای آرامش جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای عضو

عوامل متعددی در کنار هم جمع شده‌اند تا امروز آسیای مرکزی از آرامش فاصله گرفته و به سمت تنش و ناآرامی رفته است. تفاوت قائل نشدن حکومت‌های منطقه بین اسلام‌گرایان متعادل و میانه‌رو با جریان‌های افراط‌گرا، رقابت قدرت‌های بزرگ برای تسلط بر منابع این منطقه در کنار حمایت‌های مالی از جمله مواردی هستند که امروز آسیای مرکزی را با چالش‌های جدی مواجه کرده‌اند و در این میان برخی کارشناسان نقش رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای را در بروز اختلافات در منطقه پر رنگ‌تر می‌دانند. تغییر جهت سیاست جهانی به سوی آسیا، خیزش چین و هند و کاهش قدرت ژئوپلیتیک آمریکا، اعاده موقعیت ژئوپلیتیک روسیه و تبدیل ایران به قدرت نیرومند منطقه‌ای باعث افزایش رقابت‌ها بویژه در منطقه گردید که از دید ناظران سیاسی از جمله تحولات ژئوپلیتیک در آغاز هزاره سوم میلادی به شمار می‌آید که خود باعث تحریک استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن جدید شده است (موسوی، پیشین: ۸۷). فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بعنوان یک ابرقدرت در آخرین دهه واپسین قرن در هزاره دوم میلادی عرصه بی‌رقیبی را برای آمریکا بعنوان دیگر ابرقدرت جهانی فراهم ساخت. متعاقب این رویداد تاریخی، بهانه وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی در اولین دهه از نخستین قرن هزاره سوم میلادی این امکان را برای آمریکا فراهم ساخت تا در کنار این عرصه بی‌رقیب، اهداف تجاوزکارانه و یکجانبه‌گرایانه خود را با ابعاد کلان جهانی از جمله دو محور آسیای مرکزی بزرگ و خاورمیانه بزرگ بسط دهد (De Hass, 2006: 17).

۶ - حضور ایران و تلاش برای ملاحظات سازمان همکاری شانگهای در مورد افغانستان

باتوجه به اینکه یکی از موضوعات اصلی منطقه تروریسم هست و خاستگاه آن افغانستان است، تبادل اطلاعات می‌تواند به امنیت کشورهای منطقه و ایران کمک کند. همچنین در بحث اعمال سیاست‌های ملی و ارتباطی در خصوص ارتباطات منطقه‌ای و جلوگیری از تک‌قطبی شدن منطقه و جهان می‌توان از شانگهای استفاده کرد (Pannier, Ibid: 12). از موضوعاتی که باعث علاقه کشورهای عضو شانگهای در دادن عضویت دائم به ایران در دوره جدید شده است موضوع افغانستان است. پس از پذیرش عضویت ناظر افغانستان در شانگهای، تهدیدات احتمالی موجود در این کشور از جمله خشونت، تروریسم و افراط‌گرایی قومی و احتمال تسری آنها به کشورهای عضو شانگهای باعث شده است تا دولت‌های اصلی عضو شانگهای از عضویت دائم ایران استقبال کنند. هرچند سازمان شانگهای تاکنون به دلیل ابهام و عدم شفافیت در اهداف و جهت‌گیری‌هایش در زمینه مقابله با گروه‌های تروریستی نتوانسته کاری انجام دهد، اما این امکان وجود دارد که با عضویت ایران در این سازمان و تلاش‌های چین که خواهان ایجاد ثبات حداقلی در کشورهای عضو است، رویکرد این نهاد بین‌المللی نسبت به مسئله تروریسم و افراط‌گرایی تغییر کند. ثبات و امنیت در افغانستان برای تمام منطقه حیاتی است، به ویژه برای اعضای سازمان همکاری شانگهای. آشفته‌گی‌های سیاسی در افغانستان می‌تواند تمام کشورهای همسایه، از جمله پاکستان، چین، ایران و منطقه تحت نفوذ روسیه را بی‌ثبات سازد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۱-۵۷). سازمان همکاری شانگهای به مثابه یک بازیکن اصلی در منطقه، نقش اساسی را در عرصه مبارزه بر علیه تروریسم، جدایی‌طلبی و قاچاق مواد مخدر و پیشرفت اقتصادی ایفا خواهد کرد. ساختار مورفولوژیکی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای و روابط عمیق که بین این کشورها موجود است ضرورت چنین حرکت دسته جمعی را ایجاد کرده است. افغانستان برای کشورهای سازمان همکاری شانگهای از اهمیت خاصی برخوردار است، ثبات و امنیت این کشورها در ارتباط مستقیم با وضعیت افغانستان قرار دارد.

۷ - کاهش تهدیدهای منطقه‌ای (عربستان، ترکیه، اسرائیل)

جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در منطقه و همچنین به خاطر مسائل ایدئولوژی و حکومتی همواره در تیررس قدرت‌های بزرگ سیستم بین‌الملل و شرکای آنها در خاورمیانه و خلیج فارس بوده است. نمود بارز تهدیدات در قبال جمهوری اسلامی ایران را در بحران سوریه به راحتی می‌توان مشاهده نمود. تولد نامشروع اسرائیل در منطقه خاورمیانه، وضعیت پیچیده‌ای را از لحاظ امنیت منطقه‌ای رقم زده است و تاسیس یک رژیم امنیت منطقه‌ای را با دشواری‌ها و موانع حاد و اساسی مواجه ساخته است. اسرائیل سالهاست که منطقه خاورمیانه را با ناامنی روبرو ساخته و این روند همچنان ادامه دارد. جمهوری اسلامی ایران هم بعنوان یکی از کشورهای خاورمیانه همواره در معرض تهدیدهای امنیتی این

کشور بوده است؛ بگونه‌ای که در حال حاضر، اسرائیل یکی از معضلات اصلی سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌گردد.

حمایت نظامی روسیه از ایران در کشور بحران زده سوریه که برطبق اصول سازمان همکاری شانگهای نیز شکل گرفته (مقابله با تروریسم) یکی از جنبه‌های بسیار مهم شانگهای محسوب می‌شود که به شدت جمهوری اسلامی ایران در این مقطع به آن نیاز دارد. به هر حال گره خوردن منافع روسیه در سوریه با ایران نیز می‌تواند یکی از دلایل حیاتی حضور روسیه در سوریه باشد که همین دلیل نیز باعث سریع‌تر شدن روند عضویت ایران در سازمان شانگهای است. روسیه از حضور اسرائیل بعنوان متحد غرب و رژیمی که از قدرت هسته‌ای برخوردار است، در نزدیکی خود ناخشنود است. در واقع برخی مورخان معتقدند که در سال ۱۹۶۷ این شوروی بود که سوریه و مصر را به جنگ با اسرائیل ترغیب کرد تا از این طریق حمله به تاسیسات هسته‌ای اسرائیل در دیمونا را توجیه کند. از سوی دیگر این احتمال وجود دارد که اسرائیل به رقیب سلطه روسیه بر بازار گاز طبیعی اروپا تبدیل شود (Katzman, Ibid: 8).

چین ایران را شریک اصلی خود می‌داند و سوریه نیز برای ایران شریکی بالقوه و استراتژیک است. کما اینکه سوریه شریک اساسی برای روس‌ها نیز محسوب می‌شود. سقوط نظام اسد بر شریک‌شان ایران اثر می‌گذارد و این مساله ساده‌ای نیست که چینی‌ها بتوانند نسبت به آن چشم‌پوشی کنند. بنابراین مصلحت روسیه و چین است که ایران قدرتمند باقی بماند، سقوط سوریه باعث تضعیف ایران خواهد شد و مخاطرات بسیاری را برای آنها به وجود خواهد آورد و برای همین تلاش می‌کنند که سوریه سقوط نکند تا ایران ضعیف نشود تا مصالح‌شان در دنیا در معرض خطر قرار نگیرد.

۲۲

۸- تبدیل شدن جمهوری اسلامی ایران به هژمون منطقه

بسیاری از تحلیلگران معتقدند که ایران باید از عضویت کامل در این سازمان در جهت اتحاد استراتژیک با شرق استفاده کند و منافع خود را در این اتحاد تعریف کند. در واقع به اعتقاد این دسته از تحلیلگران اتحاد با شرق می‌تواند منافع ملی ما را به شکل بهتری تامین کند. در اینکه ما می‌توانیم با عضویت در این سازمان به منافع خوبی به خصوص در مسائل منطقه‌ای برسیم شکی نیست، اما حقیقت تاریخ به ما نشان داده است، اتحاد با ابرقدرت‌ها برآورده کننده منافع ملی ما نبوده و نخواهد بود (Hillary Mann and Leverett, 2010: 68).

ایران کشوری با شرایط خاص فرهنگی و جغرافیایی که بهترین استراتژی برای آن در بعد بین‌المللی توازن در رابطه با قدرت‌های شرق و غرب است. در واقع ایران باید به این سمت حرکت کند که از سازمان شانگهای در جهت متوازن کردن رابطه پرتنش خود با غرب استفاده کند همان سیاستی که روس‌ها و چینی‌ها در خصوص

رابطه خود با غرب با کارت ایران دارند. حضور جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند فرصتی بسیار مناسب برای تبدیل شدن این کشور به قدرت برتر منطقه‌ای باشد. این در صورتی است که کشورهای روسیه و چین تمامی پیامدهای عضویت جمهوری اسلامی ایران را در این سازمان تحمل کنند (Bailes, 2007: 8).

| نقاط قوت و فرصت‌ها (SO) |
|---|
| ۱- مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا و توازن قوا در منطقه |
| ۲- تجربه ایران در مبارزه با مواد مخدر و افراط‌گرایی |
| ۳- تاثیر برجام بر قدرت چانه‌زنی ایران |
| ۴- توسعه مشترک کشورها براساس اعتماد متقابل |
| ۵- تبادل اطلاعات امنیتی و سیاسی |
| ۶- تلاش برای ملاحظات در مورد افغانستان |
| ۷- کاهش تهدیدات منطقه‌ای |
| ۸- تبدیل شدن ایران به هژمون منطقه‌ای |
| ۹- تقویت بنیه دفاعی و موشکی جمهوری اسلامی ایران |
| ۱۰- پشتیبانی مادی و معنوی در لبنان، سوریه و عراق |
| ۱۱- تشکیل نهادها و سازمان‌هایی برای مقابله اتهامات حقوق بشری و ایران و شیعه‌هراسی |
| ۱۲- تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل و تاثیرگذاری بر همگرایی اسلامی |
| ۱۳- سیاست تنش‌زدایی و اعتمادسازی از سوی ایران |

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران نیز مانند سایر کشورها برای رسیدن به اهداف خود بعد انقلاب اسلامی ایران به دنبال پیوستن به سازمان‌های مختلف منطقه‌ای بوده که یکی از مهمترین این سازمان‌ها، سازمان همکاری شانگهای بوده است. با توجه به اهمیت این سازمان، ایران نیز تمامی تلاش خود را انجام داده، تا به عضویت کامل این سازمان درآید. این سیاست در مجموع، اهداف، راهبردها و سیاست خارجی ایران منطبق با اصول سیاست خارجی ایران است. همکاری کامل و گسترده ایران با سازمان، با توجه به نقش رو به رشد آن در امنیت منطقه، می‌تواند قدرت چانه‌زنی کشورمان را در مقابله با غرب و چالش‌های منطقه‌ای افزایش دهد؛ در حقیقت سازمانی که بیش از نیمی از جمعیت جهان را در بر دارد؛ از اقتصاد کامل مبتنی بر تمام زیربنای اصلی نظیر انرژی،

حمل و نقل، تأمین مالی برخوردار است، برای هیچکس و هیچ قدرتی قابل اغماض نخواهد بود و از اینرو می‌تواند در صورت افزایش تهدیدات غرب علیه کشورمان، از فرصت‌ها و امکانات سازمان برای کاهش آسیب-پذیری اینگونه تهدیدات بهره‌برداری نمود. با اشاره به روابط نزدیک ایران با روسیه و چین معتقدند عضویت ایران در سازمان در عین حال برای آمریکا مفهومی ناراحت کننده خواهد داشت، زیرا مرزهای سازمان به واسطه عضویت ایران تا خاور مرکزی و خلیج فارس توسعه می‌یابد؛ به علاوه، طرح همکاری‌های سه‌جانبه روسیه، چین، ایران به لحاظ ملاحظات خاص چینی‌ها که بیشتر از عدم تمایل این کشورها به رو در رو قرار گرفتن با آمریکا نشأت می‌گیرد، تاکنون قرین موفقیت نبوده است؛ در حالیکه می‌توان این طرح را در چارچوب وسیع‌تر سازمان همکاری شانگهای تحقق بخشید.

قطعا حضور جمهوری اسلامی ایران در این بلوک که قدرت‌های هسته‌ای دنیا در آن حضور دارند، می‌توانست وزن پیمان شانگهای را افزایش داده و گستره این پیمان را به آب‌های گرم و همچنین خاورمیانه گسترش دهد. برخی کارشناسان معتقدند نوعی تردید در مواضع طرف مقابل نسبت به عضویت ایران ایجاد شده است. هدف از این مقاله بررسی فرصت‌های امنیتی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران براساس مدل برنامه‌ریزی مدیریتی-استراتژیک سوات بود که مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مدل سوات که به دو بخش درون سازمانی (قدرت و ضعف) و برون‌سازمانی (فرصت و تهدید) تقسیم می‌شود، یکی از مناسب‌ترین مدل‌ها برای نشان دادن تلاش ایران برای به عضویت درآمدن در سازمان بین‌المللی شانگهای می‌باشد.

۲۴

استراتژی‌های (SO: تهاجمی)، (WO: محافظه‌کارانه)، (ST: رقابتی) و (WT: تدافعی) از ماتریس سوات که هر کدام از آنها بیانگر راهبردهای مختلفی است که ممکن است جمهوری اسلامی ایران شرایط آن قرار بگیرد. نگارنده اعتقاد دارد که راهبرد (SO) بعنوان یک راهبرد تهاجمی می‌تواند با توجه به ظرفیت جمهوری اسلامی در زمینه امنیتی و سیاسی از فرصت‌های به وجود آمده در سازمان نهایت استفاده را بکند. جنبه نوآوری و جدید بودن پژوهش به بررسی و مطالعه ورود ایران به سازمان همکاری شانگهای از منظر یک مدل مدیریتی مربوط می‌شود که این روش در پژوهش‌های مشابه گذشته دیده نمی‌شود. مدل استراتژیکی و مدیریتی سوات SWOT با بهره‌گیری از فرمول: قدرت، ضعف (درون سازمانی) و چالش‌ها و فرصت‌ها (برون سازمانی) می‌تواند به بهترین وجه ممکن موضوع بررسی عضویت ایران را توضیح دهد.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- احمدخان بیگی، سمانه (۱۳۹۲)، «تأثیر سیاست آمریکا و اروپا در قبال بحران سوریه بر اختلافات فرآتلانتیک»، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۴.
- ۲- اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۸۵)، «سازمان همکاری شانگهای (اهمیت ژئواستراتژیک روزافزون در تقابل با یکجانبه-گرایی)»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۵۵.
- ۳- الماسی، حسن و دورفرد، مرجان (۱۳۹۱)، «تدوین استراتژی گردشگری کشور براساس تحلیل ماتریس سوات»، فصلنامه گردشگری، ش ۶۹.
- ۴- توپسکرانی، رضا (۱۳۹۱)، «دوره آموزشی برنامه‌ریزی استراتژیک»، شرکت اعتباربخشی رسالت رازی.
- ۵- حافظی، حمیدرضا (۱۳۸۱)، «تعامل روسیه و آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز پس از یازده سپتامبر»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۳۹.
- ۶- زاهدی انارکی، مجتبی (۱۳۸۵)، «سازمان همکاری شانگهای از تئوری تا عمل»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۵۵.
- ۷- عابدی، عقیفه (۱۳۹۰)، «همکاری‌های اقتصادی در چهارچوب سازمان همکاری شانگهای»، پژوهش‌نامه سیاست خارجی، ش ۳۰.
- ۸- لیک، دیوید و مورگان، پاتریک (۱۳۸۱)، *نظم‌های منطقه‌ای؛ امنیت‌سازی در جهان نوین*، مترجم: سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: انتشارات مرکز مطالعات راهبردی.
- ۹- مرادی، فتح‌اله (۱۳۸۷)، «سازمان همکاری شانگهای قدرتی توازن‌بخش»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۶۲.
- ۱۰- موسوی، رسول (۱۳۸۳)، «حرکت‌های اسلامی در آسیای مرکزی»، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، ش ۹.
- ۱۱- واعظی، محمود (۱۳۸۹)، «اهداف منافع چین و روسیه در سازمان همکاری شانگهای»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۷۲.

لاتین:

- 1- Bailes, Jack (2007). The Shanghai Cooperation Organization. *SIPRI Policy Paper*.
- 2- Boland, Julie (2011). Ten Years of the Shanghai Cooperation Organization: A Lost Decade? A Partner for the U.S? *Foreign Policy at BROOKINGS*.
- 3- De Haas, Marcel (2006). The Shanghai Cooperation Organisation and the OSCE: Two of a kind? *Strategy and security policy*.

- 4- Faisal, Rehman (2016). SCO and India-Pakistan Conflict. *CISS Insight: Quarterly News and Views*.
- 5- Germanovich, Gene (2008). The Shanghai Cooperation Organization: A Threat to American Interests in Central Asia. Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program ISSN. *China and Eurasia Forum Quarterly*.
- 6- Humayun, Roshan Taj (2016). Pakistan and India Accession to SCO: Future Prospects and Challenges. *BIlgsam*.
- 7- Katzman, Kenneth (2013). Specialist in Middle Eastern Affair. *CRS Report for Congress*.
- 8- Laumulin, Murat (2006). The Shanghai Cooperation Organization as Geopolitical Bluff? A View from Astana Institut, Français des Relations Internationales. *Research Programme Russia/NIS*.
- 9- Leverett, Flynt and Hillary Mann (2010). The United States, Iran and the Middle East's New Cold War. *International Spectator*.
- 10- Mansoori, Jaybhaye and Others (2013). SWOT analysis of Tandooreh National Park (NE Iran) for sustainable ecotourism. *International Academy of Ecology and Environmental Sciences*.
- 11- Pnneir, Bruce (2006). Eurasia, shanghaicooperatio organization marks 10 years.
- 12- Siddiqa, Arhama (2016). Significance of the Shanghai Cooperation Organisation (SCO) for Pakistan. *Institute of strategic studies*.
- 13- Unvernoinoi, Aylin (2006). Iran and the SCO it possible for iran to become full member of the SCO under prssure of nuclear issue? *Prection*. 52autumn-winter.
- 14- yang, cheng (2011). Afghanistan problems and Sco s political Agenda for the next decade. China & us focus.